

مؤلفه‌های اثرگذار در پیشگیری از تخلفات اجتماعی بر اساس قرآن کریم و روایات اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۳

حیدر سهرابی^۱، محمد عبدالرحیمی^۲

از صفحه ۵۷ تا ۸۲

چکیده

زمینه و هدف: تخلفات و آسیب‌های اجتماعی از جمله ناهنجاری‌های جامعه انسانی هستند. این پژوهش به تعیین، تبیین و اولویت‌بندی آموزه‌های قرآنی و روایی بازدارنده از تخلفات و آسیب‌های اجتماعی پرداخته است. بنابراین هدف اصلی این پژوهش احصای مؤلفه‌های اثرگذار در پیشگیری از تخلفات اجتماعی بر اساس قرآن کریم و روایات اسلامی می‌باشد.

روش‌شناسی: این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، در زمره تحقیق‌های توصیفی-تحلیلی و از نظر رویکرد از نوع آمیخته به‌شمار می‌رود. همچنین در پژوهش حاضر از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری استفاده شد. بنابراین اطلاعات اولیه با مراجعه به اسناد قرآنی گردآوری و مفاهیم مورد نیاز با روش تحلیل محتوا استخراج گردید. با پالایش و طبقه‌بندی مفاهیم، نمودار هندسی تعامل مؤلفه‌ها ترسیم شد، و ماتریس قدرت نفوذ و وابستگی مؤلفه‌های تحقیق ارائه گردید.

یافته‌ها: در این پژوهش متغیرهای تقوا و خودکنترلی به ترتیب در ناحیه نفوذی قرار گرفتند، که نشان‌دهنده بیشترین میزان اثرگذاری متغیرهای یادشده در پیشگیری از تخلفات اجتماعی است. متغیرهای صبر و بردباری، عدالت و احسان، به سبب داشتن رابطه متقابل با دیگر متغیرها در ناحیه پیوندی قرار گرفتند. متغیر نظم و انضباط در ناحیه وابستگی قرار گرفت که نشان‌دهنده اثرگذاری حداقلی و اثرپذیری حداکثری آن در مدل پژوهش است.

نتیجه‌گیری: بر اساس آموزه‌های قرآنی و روایی تقوا، خودکنترلی و صلاحیت‌های درونی مهم‌ترین مؤلفه‌هایی هستند که مانع بروز تخلف در اجتماع شده، و رعایت حقوق افراد را در تعاملات میان‌فردی تضمین می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: پیشگیری، تخلفات اجتماعی، قرآن کریم، روایات اسلامی.

۱- استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. رایانامه: heydarsohrabi@alumni.ut.ac.ir

۲- استادیار گروه اخلاق اسلامی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه:

m.abdolrahimi32@gmail.com

دین مجموعه‌ای از آموزه‌های نظری و عملی برای شکوفایی استعداد‌های الهی و فعلیت بخشیدن به قوه‌های انسان و در نتیجه پیش بردن آدمی در مسیر قرب الهی و رساندن او به کمال مطلوب است. در این راستا، هر خطا و تخلفی - بسته به نوع آن - نوعی توقف یا خروج از جادهٔ قرب و صراط مستقیم است. از یک منظر می‌توان گفت که گناه و تخلف، مانعی برای رشد و نیز آسیبی برای سلامت انسان و جامعهٔ انسانی است. ادیان الهی از یک سو انسان‌ها را از بدی‌ها و بدکاری‌ها نهی می‌کند و از سوی دیگر، به سوی خوبی‌ها و نیکوکاری‌ها فرامی‌خواند. بدین ترتیب تحقق زندگی به سبک دینی، مستلزم پرهیز از منکرها و اقدام به معروف‌ها است. این نکته حائز اهمیت است که در سبک زندگی اسلامی، اجتناب از بدی‌ها، بر انجام خوبی‌ها اولویت دارد. از آیات الهی برمی‌آید که بدی‌ها باعث از بین رفتن خوبی‌ها می‌شوند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى...» (بقره: ۲۶۴). لزوم پیراستگی از رذایل برای آراستگی به فضایل را از این کلام امام صادق (ع) در می‌یابیم که فرمود: «إِنَّ الْحَسَدَ لَيَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۰۶) «به درستی که حسد ایمان را از بین می‌برد، همانگونه که آتش هیزم را از بین می‌برد». در مراحل سیر و سلوک عرفانی نیز، ابتدا پیراستگی از بدی‌ها (تخلیه) و سپس آراستگی به خوبی‌ها (تخلیه) مطرح شده که حاصل طی این مراحل، تجلی حق در وجود انسان (تخلیه) و رسیدن به مرتبهٔ فنا است (سبزواری، ۱۳۶۹: ۱۶۳). بر این اساس، ضرورت اجتناب از بدی‌ها آشکار می‌گردد و می‌توان گفت که اساساً پرهیز از بدی‌ها و خطاهای مختلف، مقدمه و پیش‌نیاز گرایش به خوبی‌ها و نیکوکاری است، و بدون اجتناب از بدی‌ها نمی‌توان به جایگاهی والا در اجرای خوبی‌ها دست یافت. در حوزهٔ نهی از بدی‌ها و پرهیز از خطاها و تخلفات - اعم از خطاها و تخلفات فردی، خانوادگی، اجتماعی و ... - اصول و آموزه‌های دینی متعددی وجود دارد که ابتدا باید شناخته و سپس در عمل جاری شوند. حساسیت نداشتن نسبت به آمیختگی نیکوکاری با بدکاری و توجه نکردن به اهمیت پرهیز از بدی‌ها، یکی از اشکالات بسیاری از افراد دیندار در جامعهٔ اسلامی است که باعث می‌شود اجتماع امروزی ما، عملاً با جامعهٔ آرمانی اسلام، فاصلهٔ بسیار داشته باشد. در این پژوهش سعی شده است که به مهم‌ترین سازوکارهای دینی در حوزهٔ پیشگیری از خطاها و تخلفات

اجتماعی اشاره شود و در قالب یک الگوی ساختاری تفسیری به نقش و اولویت آن‌ها پرداخته و جایگاه هرکدام از آن بازدارنده‌ها مشخص گردد. در این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش هستیم که: بر اساس قرآن کریم و روایات اسلامی چه مؤلفه‌هایی در پیشگیری از تخلفات اجتماعی تأثیر دارند؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تخلف اجتماعی

به‌طور کلی می‌توان گفت که انسان در زندگی خویش دارای چهار گونه رابطه است: الف) رابطه با خود، ب) رابطه با خدا، ج) رابطه با هم‌نوعان و د) رابطه با طبیعت. منظور از تخلفات اجتماعی در این تحقیق، خطاهای پیشامده در رابطه سوم انسانی (رابطه با هم‌نوعان) و هرگونه ظلم در تعامل با سایر انسان‌ها و عدول از حدود و تضييع حقوق دیگران در ارتباطات اجتماعی و میان فردی است. در واقع آدمی در برقراری ارتباطات میان فردی خویش، یا در جاده تعادل گام برمی‌دارد و چه از نظر اخلاقی و چه از نظر حقوقی، دچار خطا و تخلفی نمی‌شود، و یا امکان دارد راه بی‌انصافی و افراط بی‌بیماید و حقوق دیگران را زیر پا گذاشته و دچار خطاهای اخلاقی و جرائم حقوقی گردد. از نظر حقوقی «جرم به عملی گفته می‌شود که برخلاف یکی از موارد قانون مجازات عمومی هر کشور باشد و مجرم کسی است که در زمان معینی، عملی برخلاف قانون رسمی کشور انجام دهد». بر اساس قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرم به هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل گفته می‌شود که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است. «پیشگیری از جرم» یکی از مباحث و مسائل مهم اجتماعی و همواره یکی از اولویت‌های اداره‌کنندگان هر جامعه‌ای بوده است. «پیشگیری از جرم» در تعریف حقوقی، به هر اقدامی اعم از کیفری و غیرکیفری گفته می‌شود که در کاهش نرخ جرم مؤثر باشد یا در جهت مقابله با آن صورت گیرد. این رویکرد ناظر به نظریه «به‌کاریا» است با این جمله مشهور که: «پیشگیری از وقوع جرم بهتر از کیفر دادن است» (اردبیلی، ۱۳۸۵: ۱۴۶). هدف اصلی از فرایند پیشگیری از جرم، جلوگیری از وقوع جرم و کنترل اعمال مجرمانه، کنترل مجرمان، اصلاح و بازداشتن مجرم، حفاظت و حمایت از بزه‌دیده و جامعه است (گل‌محمد خامنه، ۱۳۸۴: ۵). پیشگیری از جرم گونه‌های مختلفی دارد و متناسب با

دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلف، تقسیم‌بندی می‌شود که البته گاه باهم اشتراک و هم‌پوشانی نیز دارند: پیشگیری اولیه یا نخستین، پیشگیری ثانویه یا دومین، پیشگیری ثالث یا سومین، پیشگیری کوتاه مدت یا خُرد، پیشگیری بلند مدت یا کلان، پیشگیری انفعالی، پیشگیری فعال، پیشگیری عام، پیشگیری خاص، پیشگیری وضعی، پیشگیری اجتماعی، پیشگیری کنشی یا غیر کنشی، پیشگیری واکنشی یا کیفی، پیشگیری قضایی، پیشگیری انتظامی (سازمان قضایی نیروهای مسلح، ۱۳۹۶).

در این میان، آنچه سازمان پلیس در حال حاضر انجام می‌دهد بیشتر با رویکرد پیشگیری وضعی از وقوع جرم است. بر اساس تعریف گسن^۱، پیشگیری وضعی به هرگونه فعالیت سیاسی جنایی گفته می‌شود که برای تحدید وقوع اعمال مجرمانه از راه غیرممکن ساختن، دشوار ساختن و کاهش احتمال وقوع آن صورت می‌پذیرد، بدون اینکه به کیفر یا جزای آن متوسل شوند (گسن، ۱۳۷۰: ۱۳۳).

پیشگیری از تخلفات اجتماعی در آموزه‌های اسلامی

با بررسی و مطالعه منابع اسلامی، می‌توان آموزه‌هایی متعددی را یافت که به‌منظور پیشگیری از تخلفات اجتماعی مطرح شده‌اند. برخی از آموزه‌های اسلامی در جهت اصلاح روابط میان‌فردی و پیشگیری از تخلفات اجتماعی عبارت‌اند از: ایمان به خدا؛ باور به معاد و روز رستاخیز؛ اهل عمل و رعایت آداب دینی بودن؛ مُدارا با مردم؛ مروت؛ اهل گذشت بودن و پرهیز از انتقام و مقابله‌به‌مثل؛ توصیه به انصاف.

امام صادق(ع) در کلامی جامع، به پنجاه صفت انسان مؤمن اشاره فرموده است که می‌تواند به‌عنوان منشوری برای تربیت و اصلاح، و به‌ویژه تمهیدی برای پیشگیری از تخلفات اجتماعی مدنظر قرار گیرد. برخی از این صفات عبارت‌اند از: «حزم و دوراندیشی؛ برّ و نیکوکاری؛ نگهداشتن خود از شهوات؛ حلم و علم؛ قدردانی و سپاسگزاری نسبت به خوبی‌ها و رفاقت‌های دیگران؛ ادای حق دیگران با سخاوت؛ میان‌روی هم در دارایی و ثروتمندی و هم در هنگام ناداری و تنگدستی؛ بخشش در هنگام قدرت؛ قبول نصیحت عاقلان؛ دفع امیال و هواهای نفس خویش با پرهیزکاری و ورع؛ جدیت و کوشش در جهاد با هواهای نفس؛ فراموش نکردن در هنگام گرفتاری و

کار؛ شکیبایی در سختی‌ها و گرفتاری‌ها؛ حفظ وقار در مشکلات؛ صبوری در ناراحتی‌ها؛ پرهیز از غیبت؛ پرهیز از تکبر؛ ستم نکردن و صبوری در هنگام ستم دیدن؛ قطع رابطه نکردن با خویشاوندان؛ دوری از خشونت و خوی خشن؛ کنترل چشم‌ها؛ شکمباره نبودن و رسوا نکردن خود به خاطر شکم؛ کنترل و در اختیار داشتن عنان میل جنسی؛ پرهیز از حسد؛ احسان و انفاق؛ پرهیز از افراط و تفریط و اسراف؛ یاری مظلومان؛ دلجویی از بی‌نویان؛ به‌سختی انداختن خود و ایجاد آسایش برای مردم؛ بی‌میلی نسبت به مقام‌های دنیوی؛ بی‌تابی نکردن در ناکامی‌ها و حرمان‌های دنیوی؛ رفع حاجات مردم؛ اشتغال دائم به تعالی و استکمال نفس خویش؛ مشورت دادن به دیگران؛ یاری و مساعدت دیگران؛ پرهیز از باطل و فساد و جهل» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۵۷۱). در این پژوهش برای استخراج مؤلفه‌های نهایی تحقیق، ابتدا ۴۵ آموزه اسلامی که می‌توانستند در پیشگیری از تخلفات اجتماعی مؤثر و کارا باشند از متون قرآنی و روایی استخراج شدند، و سپس از طریق مصاحبه با خبرگان و متخصصان دینی و اجرای روشمند مراحل مختلف پژوهش، ۱۱ آموزه قرآنی و روایی برگزیده شدند و در مرحله نهایی، شش مؤلفه در ماتریس نهایی پژوهش قرار گرفت که در ادامه توضیح مختصری از آن‌ها ارائه می‌شود:

تقوا: «تقوا» در لغت از «وقایه» به معنای «نگهداری» یا «حفظ شیء از آن چیزی است که اذیت و ضرر می‌رساند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۸۱). در اصطلاح عبارت است از: «حفظ نفس از مخالفت اوامر و نواهی حق و متابعت رضای الهی» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۲۰۶). تقوا دارای دو مرحله است: نخست: پرهیز از نواهی؛ دوم: انجام اوامر. در واقع متقیان کسانی هستند که اولاً از محرّمات شرعی پرهیز می‌کنند و ثانیاً واجبات شرعی را انجام می‌دهند. شاید به دلیل اولویت مرحله پرهیز از بدی‌ها باشد که تقوا در زبان فارسی بیشتر به «پرهیزکاری» ترجمه شده است. تقوا عاملی اساسی برای نزدیکی و شباهت به خدای سبحان است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳) «گرامی‌ترین شما با تقواترین شما است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۸۰). البته تقوا نیز مانند ایمان دارای مراتب و درجاتی است. مراتب بالاتر تقوا همراه با پرهیز از مکروهات و انجام مستحبات شرعی است (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۲۰۶). بر اساس ارزش والای تقوا در رشد و تقرب به خدا، اهل ایمان، به تقوا دعوت شده‌اند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (آل عمران: ۱۰۲) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید،

از خدا آن گونه که حق پروا کردن از اوست، پروا کنید؛ و زینهار، جز مسلمان نمیرید» (فولادوند، ۱۴۱۸ق: ۶۳). با تأمل در آیه‌های قرآن می‌توان نتیجه گرفت که متقیان «اهل عمل به دانسته‌ها» هستند و به مقتضای ایمان خود عمل می‌کنند. در واقع «عمل به مقتضای ایمان» اساس تقوای الهی را تشکیل می‌دهد. در سوره بقره، به ویژگی‌های متقیان اشاره شده و آنان را اهل ایمان و اهل عمل معرفی کرده است: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (بقره: ۲-۳) «این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست؛ [و] مایه هدایت تقوای پیشگان است * آنان که به غیب ایمان می‌آورند، و نماز را بر پا می‌دارند، و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند» (فولادوند، ۱۴۱۸ق: ۲).

عدل و پرهیز از ظلم: در فرهنگ اسلامی، توصیه شده است که مسلمانان باید از هرگونه ظلم و ستمی بپرهیزند. می‌توان گفت تخلف و جرم در حوزه اجتماعی، در اصل نوعی تضییع حقوق سایرین و پا گذاردن بر حق آنان است و به اصطلاح دینی ظلم است. اساساً «عدل» با «حق» ملازمه‌ای ناگسستنی دارد و می‌توان «عدل و عدالت» را به معنای «ادای حق» یا «حق‌مداری و حق‌محوری» دانست. در تعریف «عدل» نیز مشهور است که: «إِعْطَاءُ كُلِّ ذِي حَقِّ حَقَّهُ» (وحیدبهبهانی، ۱۴۲۶ق: ۲۴). بنابراین، عدل در مقابل ظلم قرار می‌گیرد، بدین معنای هرگونه «رعایت نکردن عدل» و «ادا نکردن حق دیگران»، همان «ظلم» است، که مترادف با تعابیر دیگری مانند تعدی و تجاوز و ... است و دینداران از چنین اموری منع شده‌اند. در قرآن کریم هدف از ارسال رسولان الهی، رساندن انسان‌ها به مرحله‌ای از رشد است که آنان با اراده خودشان، مطابق با عدل و قسط عمل کنند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید: ۲۵) «همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو [ای تشخیص حق از باطل] نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند...» (انصاریان، ۱۳۸۳: ۵۴۱). در آموزه‌های دینی به همگان توصیه شده است حقوق مخلوقات را رعایت کنند و از حدود خدا تجاوز نمایند: «... وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره: ۱۹۰ و مائده: ۸۷) «و [از حدود خدا] تجاوز ننمایید؛ یقیناً خدا متجاوزان را دوست ندارد» (انصاریان: ۱۳۸۳: ۱۲۲). در صورت رعایت عدل و پرهیز از ظلم، تخلفات اجتماعی محو خواهند شد.

احسان و فضل: یکی دیگر از آموزه‌های اسلامی که می‌تواند نقشی اساسی در کاهش عداوت و افزایش مودت داشته باشد «خوبی کردن در برابر بدی‌های دیگران» است. در واقع، جواب خوبی را با خوبی دادن، و جواب بدی را با بدی دادن، کار ساده‌ای است اما خوبی کردن به کسی که بدی کرده است کار آسانی نیست و از همگان برنمی‌آید. در این آموزه اسلامی به مسلمانان آموزش داده می‌شود که: «چون برادرت از تو جدا گردد، تو پیوند دوستی را برقرار کن، اگر روی برگرداند تو مهربانی کن، و چون بخل ورزد تو بخشنده باش، هنگامی که دوری می‌گزیند تو نزدیک شو، و چون سخت می‌گیرد تو آسان گیر، و به هنگام گناهش عذر او بپذیر... با آن کس که با تو درستی کرده، نرم باش که امید است به زودی در برابر تو نرم شود، با دشمن خود با بخشش رفتار کن» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: ۵۳۵). رسول اکرم (ص) به پیروان توصیه فرموده است: «أَحْسِنِ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ» یعنی: «خوبی کن به کسی که به تو بدی کرده است» (پاینده، ۱۳۶۳: ۵۴۴). در واقع خدای تعالی محسن است و انسان‌ها را به «احسان» امر فرموده است: «...أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ...» (قصص: ۷۷)؛ «...همچنان که خدا به تو نیکی کرده [تو هم] نیکی کن...». در موضع دیگری از قرآن کریم آمده است که: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ...» (نحل: ۹۰).

رعایت نظم و انضباط: «نظم» در لغت به معنای «به رشته کشیدن جواهر، آراستن، ترتیب دادن، گفتار موزون و کلام منظوم، سازمان و تشکیلات» است (معین، ۱۳۷۸: ۴۷۵۳). واژه انضباط نیز به معنای نظم داشتن، سامان‌پذیری، نظم و ترتیب است (معین، ۱۳۷۸: ۳۸۲). بی‌نظمی، می‌تواند اختلافات و تخلفات باشد. «رعایت نظم در تمام امور زندگی» از آموزه‌ها و ارزش‌های اصیل اسلامی است. امام علی (ع) در زمان ترک دنیا، همگان را -در کنار تقوای الهی- به «نظم» توصیه فرموده است: «أَوْصِيكُمْ وَ جَمِيعَ وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۴). این وصیت، نشان از جایگاه والای نظم در زندگی دارد.

خودکنترلی و تسلط بر هوای نفس در همه احوال: یکی از لوازم پرهیز از خطا در تعاملات اجتماعی، داشتن خودکنترلی و تسلط بر نفس و منع آن از زیاده‌خواهی‌ها در همه احوال است. کسی که نتواند بر هواهای نفس خود غلبه کند مسلماً به ورطه ظلم کشیده خواهد شد و نمی‌تواند حقوق دیگران را عادلانه و منصفانه، ادا کند. طغیان نفس

در دو شکل طغیان شهوت و طغیان غضب رخ می‌نماید و هرکدام از این طغیان‌ها می‌تواند موجب بروز خطا، جرم و جنایت گردد. در این میان، نیرویی که می‌تواند از طغیان نفس، جلوگیری کند، و به آدمی کمک کند که کنترل خود را از دست ندهد «عقل» است. حضرت علی(ع) فرموده است: «الْعَاقِلُ مَنْ يَمْلِكُ نَفْسَهُ إِذَا غَضِبَ وَ إِذَا رَغِبَ وَ إِذَا رَهَبَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵۴) «عاقل کسی است که [در سه حالت] مالک نفس خویش و مسلط بر خود باشد: آنگاه که خشمگین شود، و آنگاه که نسبت به چیزی رغبت و تمایل داشته باشد، و آنگاه که از چیزی بترسد». امام صادق(ع) نیز دربارهٔ آثار تسلط بر نفس می‌فرماید: «مَنْ مَلَكَ نَفْسَهُ إِذَا رَغِبَ وَ إِذَا رَهَبَ وَ إِذَا اشْتَهَى وَ إِذَا غَضِبَ وَ إِذَا رَضِيَ وَ إِذَا سَخِطَ حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۰: ۳۲۹) «هر کس به هنگام «تمایل و ترس» و هنگام «طغیان شهوت و غضب» و هنگام «رضایت و کراهت» بر نفس خود مسلط شود، خدای تعالی جسم او را بر آتش حرام می‌گرداند». «کظم غیظ» یکی از دستورات دینی به معنای فروبردن خشم و جلوگیری از طغیان غضب است. «کظم غیظ» با «غضب» ضدیت دارد و مانع از بروز غضب و آثارش می‌گردد (نراقی، ۱۳۸۹: ۱۹۱).

صبر و بردباری: «صبر و بردباری» یکی از صفات مؤمنان و از ضروریات دینداری است که می‌تواند از بروز تخلفات اجتماعی پیشگیری کند. اساساً در فرهنگ اسلامی، «صبر» سرآغاز ایمان یا نخستین گام ورود به اقلیم ایمان معرفی شده است: «الصَّبْرُ رَأْسُ الْإِيمَانِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۸۰) که عبادتی بزرگ و پناهگاهی محکم برای حفظ و صیانت مؤمنان به‌شمار می‌آید؛ حضرت علی(ع) پیروان را به این پناهگاه محکم و عبادت بزرگ، فراخوانده است: «عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ فَإِنَّهُ حِصْنٌ حَصِينٌ وَ عِبَادَةُ الْمُؤْمِنِينَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۸۱). آراستگی به صبر می‌تواند عاملی برای اجتناب از بدکاری و اقدام به نیکوکاری باشد. امام علی(ع) صبر را به سه حوزه تقسیم نموده است: الف) صبر بر مصیبت‌ها و بلاها؛ ب) صبر بر طاعت‌ها؛ ج) صبر بر معصیت‌ها و گناهان: «الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ عَلَى الْمُصِيبَةِ وَ الصَّبْرُ عَلَى الطَّاعَةِ وَ الصَّبْرُ عَنِ الْمُعْصِيَةِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ۲۰۶). از این حدیث می‌توان به نقش صبر در پیشگیری از گناهان و خطاها پی برد. در واقع، نداشتن صبر در تعاملات اجتماعی می‌تواند باعث طغیان نفس و ارتکاب انواع خطاها و تصمیم‌گیری‌های عجولانه گردد. بدین ترتیب می‌توان صبر را عاملی برای

رعایت حقوق دیگران دانست.

درویشی و داوودی دهاقانی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «تأثیر فرهنگ بومی اسلامی بر پیشگیری از جرم در شهر قم» اثرگذاری شاخص‌های فرهنگ بومی اسلامی بر پیشگیری از جرم را تأیید کردند. با توجه به یافته‌های این پژوهش مشخص شد که توسعه اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی مبتنی بر فرهنگ بومی و اسلامی از طریق نهادهای دولتی، مردمی، فرهنگی، حوزوی و آموزشی، کارکردی مثبت آنها دارد و می‌تواند کاهش جرائم و آسیب‌های اجتماعی را به دنبال داشته باشد. حاجی‌تبار (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «نقش نهادهای مذهبی در پیشگیری از جرم» به بررسی نقش نهادهای مذهبی در پیشگیری از جرم پرداخته است و یکی از وظایف اصلی این نهادها را پیشگیری از جرم از طریق مبارزه با عوامل و فرایندها و یا موقعیت‌های وقوع جرم و نابهنجاری اجتماعی با الگوگیری مستقیم از آموزه‌های دین اسلام (قرآن کریم و سنت معصومان علیهم‌السلام) دانسته است.

عبدی و افتخاری (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی با تأکید بر نقش ناجا» با ملاحظات جامعه‌شناختی و روان‌شناختی، الگویی اسلامی-ایرانی را که دارای دو بُعد، چهار مؤلفه و شانزده شاخص است ارائه کرده‌اند. شفیعی و پرنوره (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «تأثیر هویت دینی، ملی در پیشگیری از جرائم و آسیب‌های اجتماعی» میزان تأثیر هویت دینی، ملی را در پیشگیری از جرائم و آسیب‌های اجتماعی مورد بررسی قرار دادند. این محققان نشان دادند که هویت دینی تأثیری پایدار و عمیق بر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دارد و مفاهیمی از قبیل تمایلات ارزشی، هویت دینی، عزت نفس، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، سرمایه‌های اجتماعی، مشارکت اجتماعی، احساس امنیت و قانون‌گرایی در افراد زندانی و متخلف، کمتر از دیگر آحاد عادی جامعه است. میلانی و علی‌محمدی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «پیشگیری اولیه از وقوع جرایم و تخلفات و عوامل مؤثر بر آن، بر اساس آموزه‌های قرآنی» اصلاح ساختارها و وضعیت اجتماعی، فرهنگی و نظارتی را در کاهش انواع بزهکاری مؤثر دانسته‌اند. ایشان نتیجه گرفته‌اند که توجه به آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم و روایات اسلامی می‌تواند عاملی مؤثر در پیشگیری از تخلفات در جوامع اسلامی باشد و قوانین الهی و ارزش‌های دینی را

ملاک و معیار مناسبی برای تجویز روش‌های پیشگیرانه معرفی کرده‌اند. توسلی و صادقی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «آموزه‌های اسلامی پیشگیری از جرم» پیشگیری از جرم را یک جریان دوطرفه بین پلیس و مردم معرفی کرده‌اند. نویسندگان این پژوهش، توجه به آموزه‌هایی از قبیل «اعتقاد به توحید، معاد، نماز، امر به معروف و نهی از منکر، انفاق و احسان، حجاب و عفاف، معاشرت با نیکان و صالحان، صبر و بردباری، شکرگزاری، قناعت و پرهیز از اسراف و تبذیر و توبه» را از صفاتی برشمرده‌اند که در پیشگیری از جرم و تخلف اثربخشی زیادی دارند.

بر اساس یافته‌های مطالعات پیشین می‌توان استنباط کرد که در آموزه‌های دینی، راهکارهای مؤثری برای پیشگیری از جرم و تخلفات اجتماعی وجود دارد. درباره وجه تمایز و نوآوری این تحقیق نسبت به سایر تحقیق‌ها می‌توان گفت: مطالعات پیشین، تخلف و قانون‌گریزی را در بستری خاص از قبیل سازمان‌ها، نهادها و سطح جامعه به صورت توصیفی مورد بررسی قرار داده‌اند. تفاوت پژوهش حاضر با فعالیت‌های ذکرشده، آن است که در این پژوهش مؤلفه‌های تأثیرگذار بر پیشگیری از تخلفات اجتماعی در یک مدل ترکیبی با استفاده از داده‌های توصیفی و الگوی ساختاری تفسیری که یک مدل پژوهشی علمی مبتنی بر نظر خبرگان است، مورد بررسی قرار گرفته است؛ و نتایج نهایی آن که قابل تعمیم به تمامی نهادهای اجتماعی است، در قالب ماتریس قدرت نفوذ و وابستگی ارائه شد، و روابط میان مؤلفه‌های احصاء شده تعیین، سطح‌بندی و اولویت‌بندی شد. به این ترتیب پژوهش حاضر را می‌توان تکمیل‌کننده پژوهش‌های پیشین به حساب آورد.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی، و از نظر ماهیت، در زمره تحقیق‌های توصیفی - تحلیلی و از نظر رویکرد از نوع آمیخته به‌شمار می‌رود. به‌منظور ارائه پاسخ صحیح و دقیق به سؤال‌های پژوهش، پس از احصای متغیرها، مدل‌سازی ساختاری - تفسیری به‌عنوان روش مناسب انتخاب شد. در این پژوهش اطلاعات اولیه با مراجعه به اسناد قرآنی و روایی جمع‌آوری گردید. سپس مفاهیم مربوط به عوامل مؤثر بر کاهش تخلفات به روش تحلیل محتوا، استخراج شد. در ادامه برای پالایش مفاهیم مرتبط با موضوع و

طبقه‌بندی مفاهیم از نظر اهمیت و کیفیت ارتباط آن‌ها با یکدیگر، با ۲۸ نفر از متخصصان و خبرگان مصاحبه به عمل آمد. به‌منظور ایجاد ارتباط بین محورهای احصاشده، فرایند مصاحبه تا اشباع نظری^۱ ادامه یافت. لازم به ذکر است که در این فرایند حجم نمونه بستگی به اشباع نظری داده‌های تحقیق دارد (لوئیس^۲ و همکاران: ۲۰۰۳). بر این اساس در پژوهش حاضر، فرایند پرسشگری تا مرحله تکراری شدن پاسخ‌ها و عدم دریافت داده‌های جدید از سوی مصاحبه‌شوندگان ادامه یافت. با عنایت به لزوم برخورداری نمونه‌ها از اطلاعات و تجربه کافی، نمونه‌گیری به صورت هدفمند قضاوتی صورت پذیرفت. سؤال‌های مندرج در فرم مصاحبه، از معیارهای موجود در جدول (۱) استخراج شد. پس از آگاهی از نحوه ارتباط مفاهیم گردآوری‌شده، داده‌ها با استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

الف) الگوی ساختاری - تفسیری (ISM): این الگو در سال ۱۹۷۴ توسط وارفیلد^۴ ارائه شد. این نوع از طراحی الگو روشی برای شناسایی و فهم رابطه منطقی میان عناصر یک سیستم است. به تعبیر دیگر الگوی ساختاری - تفسیری فرایندی است که برای ساختاربندی متقابل عناصر مختلف و مرتبط در یک مدل نظام‌مند طراحی می‌شود (آذر و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۲۷).

ب) مراحل مدل‌سازی ساختاری - تفسیری: برای تعیین رابطه میان عناصر و سطوح آن به روش مدل‌سازی ساختاری - تفسیری در یک نظام، مراحل زیر به ترتیب اجرا گردید:

تعیین متغیرها: مدل ساختاری - تفسیری با شناسایی و تنظیم متغیرهای مرتبط با سؤال پژوهش آغاز شد. این متغیرها با مطالعه ادبیات موضوع و مصاحبه با متخصصان به دست آمد. در این پژوهش با مطالعه ادبیات موضوعی و سؤال از متخصصان، شش متغیر برتر تأثیرگذار بر کاهش و پیشگیری از تخلفات اجتماعی شناسایی و به شرح جدول (۱) گردآوری شد.

1 - Theoretical saturation.

2 - Lewis

3 - Interpretive structural modeling

4 - Warfield.

جدول ۱. مؤلفه‌های به دست آمده از بررسی ادبیات پژوهش

مفهوم	گزاره مرتبط
<p>۱. تقوا</p>	<p>وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ لَأَدْخَلْنَاَهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ (مائده: ۶۵) و اگر اهل کتاب ایمان آورده و پرهیزگاری کرده بودند، قطعاً گناهانشان را می‌زدودیم و آنان را به بوستانهای پر نعمت درمی‌آوردیم.</p> <p>وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ... (اعراف: ۹۶). اگر مردم آبادی‌ها ایمان آورده و پرهیزکاری کرده بودند برکت‌هایی از آسمان و زمین به روی ایشان می‌گشودیم...</p> <p>...وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا (طلاق: ۲)... و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند.</p>
<p>۲. صبر و بردباری</p>	<p>وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ (بقره: ۴۵) از شکیبایی و نماز یاری جویدید. و به راستی این [کار] گران است، مگر بر فروتنان.</p> <p>يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (بقره: ۱۵۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از شکیبایی و نماز یاری جویدید؛ زیرا خدا با شکیبایان است.</p> <p>...الَّذِينَ صَبَرُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ كَبِيرٌ (هود: ۱۱) کسانی که شکیبایی ورزیده و کارهای شایسته کرده‌اند، برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ خواهد بود.</p> <p>...مَنْ يَتَّقِ وَ يَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (یوسف: ۹۰) ...بی‌گمان، هر که تقوا و صبر پیشه کند، خدا پاداش نیکوکاران را تباہ نمی‌کند.</p> <p>فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ... (انسان: ۲۴) پس در برابر فرمان پروردگارت شکیبایی کن.</p>
<p>۳. عدالت و پرهیز از ظلم</p>	<p>لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ... (حدید: ۲۵). همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو [ای تشخیص حق از باطل] نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند...</p> <p>الْعَدْلُ يُضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا «(نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: ۵۵۳). عدالت امور را در جای درست قرار می‌دهد.</p>
<p>فرمان می‌دهد...</p>	<p>إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ... (نحل: ۹۰). همانا خدا به دادگری و نیکوکاری فرمان می‌دهد...</p> <p>...فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمِ أَلِيمٍ (زخرف: ۶۵). پس وای بر کسانی که</p>

گزاره مرتبط	مفهوم
<p>ستم کردند از عذاب روزی دردناک!</p> <p>أَقْرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَصْلَهُ اللَّهُ (جائیه: ۲۳). پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را گمراه گردانید.</p>	
<p>عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع: «إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَتَانِ اتِّبَاعُ الْهَوَى وَ طُولُ الْأَمَلِ فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ...» (نهج البلاغه، ۱۴۰۴ق: ۹۱). ای مردم! همانا من بر شما از دو چیز می‌ترسم: پیروی از خواهش نفس و آرزوی دراز، اما پیروی از خواهش نفس باز دارنده از حق... است (حرعاملی، ۱۳۶۴: ۳۳۴).</p> <p>... لَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ... (ص: ۲۶). از هوای نفس پیروی نکن که تو را از راه خدا منحرف می‌سازد.</p>	<p>۴. خودکنترلی (تسلط بر هوای نفس)</p>
<p>...أَحْسِنُ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ... (قصص: ۷۷)؛ ... نیکی کن، همچنان که خدا به تو نیکی کرده...</p> <p>أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (بقره: ۱۹۵). نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست دارد.</p>	<p>۵. احسان</p>
<p>«أَوْصِيكُمْ وَ جَمِيعِ وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: ۴۲۱). شما، و همه فرزندان، و خاندانم و هر که این وصیتم به او می‌رسد را به تقوای الهی، و نظم در زندگی سفارش می‌کنم.</p> <p>الْأُمُورُ الْمُنْتَظِمَةُ يُفْسِدُهَا الْخِلَافُ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۶۶). کارهای نظم یافته را اختلاف تباه می‌کند.</p>	<p>۶. نظم و انضباط</p>
<p>لازم به ذکر است که اولاً نمونه‌های مندرج در جدول (۱) تنها گزیده‌ای از مصادیق قرآنی و روایی مؤثر بر کاهش تخلفات هستند و موارد مشابه به جهت رعایت اختصار حذف شده‌اند. ثانیاً متغیرهای متعدد دیگری همچون ادای حقوق دیگران، انصاف، رعایت آداب اسلامی، حُسن خُلق، مدارا، مروّت، پرهیز از انتقام و مقابله‌به‌مثل در جریان انجام پژوهش احصاء شدند، که در نظرسنجی از خبرگان و متخصصان، در اولویت‌های بعدی قرار گرفتند و در جدول مقوله‌های اصلی ذکر نشدند.</p> <p>به‌دست آوردن ماتریس ساختاری روابط درونی متغیرها (SSIM)^۱: در این پژوهش ماتریس ساختاری ارتباط درونی با توجه متغیرهای احصاء شده ترسیم شد. در سطر و</p>	

ستون ماتریس، متغیرها به ترتیب درج شدند، و سپس روابط آن‌ها به صورت متقابل با استفاده از نمادهای استاندارد مشخص گردیدند.

جدول ۲. روابط مفهومی در ماتریس خودتعاملی ساختاری (جیتیش تاکار^۱ و همکاران، ۲۰۰۷)

نماد	مفهوم نماد
V	ا بر ز اثرگذار باشد. (سطر بر ستون اثرگذار باشد).
A	ز بر ا اثرگذار باشد. (ستون بر سطر اثرگذار باشد).
X	بین ز و ا رابطه متقابل وجود داشته باشد. (سطر و ستون برهم اثرگذار باشند).
O	بین ز و ا رابطه‌ای وجود نداشته باشد. (سطر و ستون برهم اثر نداشته باشند).

به دست آوردن ماتریس دستیابی^۲: بر اساس قواعد زیر با تبدیل نمادهای روابط ماتریس ساختاری روابط درونی متغیرها به عددهای «صفر و یک» ماتریس دستیابی تدوین شد. این قواعد در جدول زیر ارائه شده‌اند:

جدول ۳. نحوه تبدیل روابط مفهومی به عدد (جیتیش تاکار و همکاران، ۲۰۰۷)

نماد مفهومی	ا به ز (سطر تأثیر بر ستون)	ز به ا (ستون تأثیر بر سطر)
V	1	0
A	0	1
X	1	1
O	0	0

سازگار کردن ماتریس دستیابی: پس از آنکه ماتریس اولیه دستیابی تنظیم شد، لازم بود سازگاری درونی بین مؤلفه‌های آن برقرار گردد. به عنوان نمونه، اگر متغیر ۱ بر روی متغیر ۲ اثرگذار باشد و از طرفی متغیر ۲ بر روی متغیر ۳ تأثیر بگذارد، در نتیجه بایستی متغیر ۱ بر روی متغیر ۳ هم تأثیر داشته باشد. اگر در ماتریس دستیابی این روابط برقرار نشوند باید ماتریس اصلاح گردد و روابط موردنظر جایگزین شوند (هوانگ^۳ و همکاران، ۲۰۰۵). در این پژوهش متغیرهای درونی به روش معادلات خطی به شکل زیر سازگار شدند:

1- Jitesh Thakkar
2- Reachability matrix
3- Huang

$$\begin{pmatrix} x_1 & 0 & 0 & 0 & x_5 & x_6 \\ 0 & x_2 & 0 & 0 & 0 & 0 \\ 0 & 0 & x_3 & 0 & 0 & 0 \\ 0 & 0 & 0 & x_4 & 0 & 0 \end{pmatrix} \begin{pmatrix} 3 \\ 1 \\ 1 \\ 1 \end{pmatrix}$$

$$\begin{bmatrix} 1 & 1 & 1 & 0 & 1 & 1 \\ 1 & 1 & 1 & 1 & 1 & 1 \\ 1 & 0 & 1 & 0 & 1 & 1 \\ 0 & 1 & 0 & 1 & 0 & 0 \\ 1 & 1 & 1 & 1 & 1 & 1 \\ -1 & 1 & 0 & 1 & 1 & 1 \end{bmatrix} \begin{bmatrix} 1 & 1 & 1 & 0 & 1 & 1 \\ 0 & 0 & 0 & 1 & 0 & 0 \\ 0 & -1 & 0 & 0 & 0 & 0 \\ 0 & 1 & 0 & 1 & 0 & 0 \\ 0 & 0 & 0 & 1 & 0 & 0 \\ 0 & 0 & -1 & 1 & 0 & 0 \end{bmatrix}$$

$$\begin{bmatrix} 5 \\ -1 \\ 1 \\ 2 \\ 1 \\ 0 \end{bmatrix} \begin{bmatrix} 5 \\ 1 \\ -1 \\ 2 \\ 1 \\ 0 \end{bmatrix} \begin{bmatrix} 1 & 1 & 1 & 0 & 1 & 1 \\ 0 & -1 & 0 & 0 & 0 & 0 \\ 0 & 0 & 0 & 1 & 0 & 0 \\ 0 & 1 & 0 & 1 & 0 & 0 \\ 0 & 0 & 0 & 1 & 0 & 0 \\ 0 & 0 & -1 & 1 & 0 & 0 \end{bmatrix}$$

$$\begin{bmatrix} 3 \\ 1 \\ 1 \\ 1 \\ 0 \\ 0 \end{bmatrix} \begin{bmatrix} -4 \\ -1 \\ -1 \\ -1 \\ -1 \\ 0 \end{bmatrix} \begin{bmatrix} 1 & 0 & 0 & 0 & 1 & 1 \\ 0 & 1 & 0 & 0 & 0 & 0 \\ 0 & 0 & 1 & 0 & 0 & 0 \\ 0 & 0 & 0 & 1 & 0 & 0 \\ 0 & 0 & 0 & 0 & 0 & 0 \\ 0 & 0 & 0 & 0 & 0 & 0 \end{bmatrix} \begin{bmatrix} -1 & 0 & -1 & 0 & -1 & -1 \\ 0 & -1 & 0 & 0 & 0 & 0 \\ 0 & 0 & 0 & -1 & 0 & 0 \\ 0 & 0 & 0 & -1 & 0 & 0 \\ 0 & 0 & 0 & -1 & 0 & 0 \\ 0 & 0 & 1 & -1 & 0 & 0 \end{bmatrix}$$

شکل ۱. معادلات خطی

سطح بندی عناصر ماتریس دستیابی: در این مرحله خروجی‌ها (مجموعه دستیابی و مجموعه دریافتی)^۱ و ورودی‌ها (مجموعه پیش نیاز و مجموعه مقدماتی)^۲ دربارهٔ هریک از متغیرها بر روی ماتریس دستیابی سازگار شده احصاء می‌گردد. مجموعهٔ خروجی برای یک متغیر خاص عبارت از متغیر موردنظر به‌علاوه دیگر متغیرهایی است که در ایجاد آن نقش داشته‌اند. به‌تعبیردیگر مجموعهٔ خروجی، به متغیرهایی اطلاق می‌شود که از طریق این متغیر می‌توان به آن متغیرها دست یافت. مجموعهٔ ورودی برای یک متغیر خاص شامل خود آن متغیر و دیگر متغیرهایی است که در ایجاد آن سهیم بوده‌اند. به‌عبارت‌دیگر مجموعهٔ متغیرهای ورودی مشتمل بر متغیرهایی است که از

1 -Reachability set

2 -Antecedent set

طریق آن‌ها می‌توان به این متغیر رسید. پس از مشخص کردن مجموعه خروجی و ورودی برای هر یک از متغیرها، عناصر مشترک در خروجی‌ها و ورودی‌ها برای هر متغیر شناسایی می‌شوند (جیتش تاکار و همکاران، ۲۰۰۷).

رسم مدل: در مرحله رسم مدل بر اساس سطح‌بندی انجام‌شده، متغیرها طبق اولویت‌بندی انجام‌شده از بالا به پایین تنظیم شدند؛ و آنگاه بر اساس ماتریس دستیابی سازگار شده، رابطه بین متغیرها با خط‌های جهت‌دار مشخص گردیدند.

جدول ۴. ماتریس خودتعاملی ساختاری ابعاد (مؤلفه‌های مؤثر در پیشگیری از تخلفات اجتماعی)

I	J	۱	۲	۳	۴	۵
عدالت و پرهیز از ظلم	x	x	x	O	x	X
خودکنترلی (تسلط بر هوای نفس)	[]	V	V	X	x	X
احسان	[]	[]	[]	O	x	V
نظم نضباط	[]	[]	[]	[]	A	A
تقوا	[]	[]	[]	[]	[]	x
صبر و بردباری	[]	[]	[]	[]	[]	[]

تجزیه و تحلیل MICMAC: هدف از تجزیه و تحلیل MICMAC، مشخص کردن متغیرهای نفوذی^۱ و وابسته^۲ و تحلیل میزان تأثیرگذاری هر یک از آنها در دیگر متغیرهاست (روی^۳ و همکاران، ۲۰۰۵: ۲۴۶).

ارائه مدل و یافته‌ها: همان‌طور که گفته شد در گام نخست برای ترسیم مدل از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری بایستی متغیرهای مدل شناسایی شوند. بدین‌منظور طبق تحلیل محتوای صورت‌گرفته در رابطه با مؤلفه‌های مؤثر در پیشگیری از تخلفات اجتماعی، مؤلفه‌های احصاشده در عرصه‌های مختلف طبقه‌بندی شدند. این مؤلفه‌ها از قرآن کریم و روایات اسلامی استخراج گردیدند. متغیرهای مذکور در جدول (۱) قابل‌ملاحظه هستند. پس از به دست‌آوردن ماتریس رابطه درونی، این ماتریس در قالب یک فرم مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به تعدادی از خبرگان و متخصصان ارائه شد، و از

1 -Driving power
2- Dependence
3-Ravi

طریق آن داده‌های موردنیاز جمع‌آوری گردید؛ که نتایج پایانی آن در جدول (۵) در قالب ماتریس دستیابی یکپارچه ارائه شده است.

جدول ۵. ماتریس دستیابی یکپارچه خبرگان

ردیف	مجموع	عدالت و پرهیز از ظلم	خود کنترلی	احسان	نظم انضباط	تقوا	صبر و بردباری	قدرت نفوذ
۱.	عدالت و پرهیز از ظلم	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۵
۲.	خودکنترلی (تسلط بر هوای نفس)	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۶
۳.	احسان	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۴
۴.	نظم انضباط	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۲
۵.	تقوا	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۶
۶.	صبر و بردباری	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۵
	میزان وابستگی	۵	۵	۴	۴	۵	۵	

در این بخش با شناسایی روابط ثانویه و اصلاح ماتریس دریافتی، جدول (۵) تنظیم شد. در این جدول شاخص قدرت نفوذ از جمع سطری، و شاخص وابستگی از جمع جبری به دست آمد. عددهای (۱) در سطرهای جدول (۵) نشانگر اثرگذاری یک بُعد-شاخص، بر بُعد-شاخص دیگر است. همچنین عددهای (۱) در ستون‌های یادشده نشانگر وابستگی یک بُعد-شاخص، به یک بُعد-شاخص دیگر است.

تعیین روابط و سطح‌بندی ابعاد و شاخص‌ها: برای تعیین روابط و سطح‌بندی ابعاد هر یک از شاخص‌ها، لازم است مجموعه خروجی‌ها و مجموعه ورودی‌ها برای هر بُعد-شاخص از ماتریس دریافتی استخراج شوند. مجموعه خروجی‌ها شامل خود بُعد-شاخص و ابعاد-شاخص‌هایی است که از آن تأثیر می‌پذیرند. مجموعه ورودی‌ها شامل خود بُعد-شاخص و مجموعه ابعاد-شاخص‌هایی است که بر آن تأثیر می‌گذارند. در ادامه، مجموعه روابط دوطرفه هر بُعد-شاخص مشخص شدند، یعنی تعداد بُعد-شاخص‌هایی که در دو مجموعه ورودی و خروجی تکرار شده بودند، احصاء گردیدند. ابعاد-شاخص‌ها بر اساس مجموعه‌های به‌دست‌آمده سطح‌بندی شدند. به‌طورمعمول ابعاد-شاخص‌هایی که مجموعه خروجی و مجموعه روابط دوطرفه یکسان داشته باشند، ابعاد-شاخص‌های سطح بالای سلسله مراتب را تشکیل می‌دهند. بر این اساس ابعاد-شاخص‌های سطح

بالا منشأ هیچ بُعد- شاخص دیگری نیستند. هنگامی که سطح بالا برای موارد احصاء شده تعریف شد، از دیگر ابعاد- شاخص‌ها تفکیک می‌گردد. سپس به‌وسیله فرایندی یکسان، سطح‌های بعدی مشخص شدند. نتیجه حاصل از این عملیات، در جدول (۶) ارائه شده است.

جدول ۶. تعیین روابط و سطح‌بندی ابعاد «مؤلفه‌های مؤثر در پیشگیری از تخلفات اجتماعی»

فراوانی	مجموعه ورودی مجموعه خروجی مشترک خروجی + سطح مشترک			ابعاد	
۴	۱۰	۱، ۲، ۳، ۵، ۶	۱، ۲، ۳، ۵، ۶	۱، ۲، ۳، ۵، ۶	عدالت و پرهیز از ظلم
۵	۱۱	۱، ۲، ۴، ۵، ۶	۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶	۱، ۲، ۴، ۵، ۶	خودکنترلی (تسلط بر هوای نفس)
۲	۷	۱، ۳، ۵	۱، ۳، ۵، ۶	۱، ۲، ۳، ۵	احسان
۱	۴	۲، ۴	۲، ۴	۲، ۴، ۵، ۶	نظم انضباط
۵	۱۱	۱، ۲، ۳، ۵، ۶	۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶	۱، ۲، ۳، ۵، ۶	تقوا
۳	۹	۱، ۲، ۵، ۶	۱، ۲، ۴، ۵، ۶	۱، ۲، ۳، ۵، ۶	صبر و بردباری

در این بخش با استفاده از داده‌های جدول (۶) شاخص‌های قرآنی و روایی مؤثر بر کاهش تخلفات بر اساس قدرت نفوذ هر شاخص در دیگر شاخص‌ها و میزان وابستگی هر شاخص به شاخص‌های دیگر در چهار سطح به شرح زیر دسته‌بندی شدند:

۱. سطح مستقل: به شاخص‌هایی اطلاق می‌شود که حداقل وابستگی و قدرت نفوذ را در دیگر شاخص‌ها دارند.

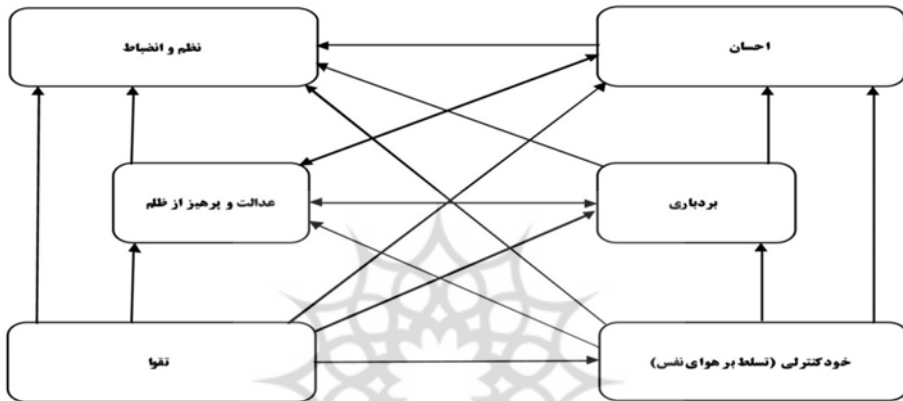
۲. سطح وابسته: به شاخص‌هایی اطلاق می‌شود که وابستگی زیادی به شاخص‌های دیگر دارند.

۳. سطح مرتبط: به شاخص‌هایی اطلاق می‌شود که با دیگر شاخص‌ها رابطه دوطرفه دارند.

۴. سطح نفوذی: به شاخص‌هایی اطلاق می‌شود که بر شاخص‌های دیگر نفوذ قابل توجهی دارند.

لازم به ذکر است که تحلیل ماتریس قدرت نفوذ و وابستگی در بخش نتایج پژوهش ارائه شده است.

شبکه تعاملات ابعاد و شاخص‌ها: شبکه تعاملی ابعاد و شاخص‌های کدهای محوری با استفاده از خروجی‌های مدل‌سازی ساختاری تفسیری به‌عنوان ورودی‌های نرم‌افزار تحلیل شبکه، مورد استفاده قرار گرفت. شبکه یادشده با استفاده از داده‌های نمودار تعیین روابط و سطح‌بندی ابعاد و شاخص‌های عوامل قرآنی و روایی مؤثر بر کاهش تخلفات (جدول ۶) به شرح زیر به‌دست آمد.



نمودار ۱: نمودار هندسی تعامل مؤلفه‌های قرآنی و روایی مؤثر در پیشگیری از تخلفات اجتماعی

نمودار بالا رابطه موجود میان ابعاد I و J را نشان می‌دهد که به‌عنوان داده‌های ورودی نرم‌افزار «متلب»^۱ (آزمایشگاه ماتریس) مورد استفاده قرار گرفت. نمودار هندسی تعامل ابعاد و شاخص‌های عوامل قرآنی و روایی مؤثر بر کاهش تخلفات در نمودار (۲) نشان داده شده است. این تعامل و جهت آن، با استفاده از خط‌های پیکانی و ایجاد رابطه بین ابعاد I و J نمایش داده شد که ارتباط درونی بین شاخص‌های هر بُعد را نشان می‌دهد. نمودار مذکور در مدل‌سازی ساختاری تفسیری تحت‌عنوان نمودار هندسی تعامل مؤلفه‌ها یا مدل دیاگراف مشهور است.

	ناحیه نفوذی				ناحیه پیوندی			
	۸							
۷	تقوا							
۶		خودکنترلی			عدالت			
۵						صبر و بردباری	احسان	
۴								
۳								
۲							انضباط	
۱								
	ناحیه خودمختار				ناحیه وابسته			
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸

نمودار ۲. ماتریس قدرت نفوذ و وابستگی

در نتیجه تحلیل داده‌های پژوهش، ماتریس قدرت نفوذ و وابستگی مؤلفه‌های اثرگذار در پیشگیری از تخلفات اجتماعی از منظر قرآن کریم و روایات اسلامی انجام و سطح‌بندی شد و متغیرهای نهایی احصاشده، در نمودار (۲) به تصویر کشیده شد. تحلیل ماهیت متغیرهای مندرج در ماتریس فوق در بخش بحث و نتیجه‌گیری به تفصیل بیان شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج تحقیق متغیر «تقوا» به‌عنوان اولین متغیر، و «خودکنترلی» به‌عنوان دومین متغیر در پیشگیری از تخلفات اجتماعی از بیشترین ضریب اثرگذاری برخوردار هستند. مؤثر بودن این دو متغیر به سبب گستردگی دامنه و کاربردی بودن آنهاست. بر همین اساس این دو متغیر، در ناحیه نفوذی قرار گرفته‌اند، که حاکی از اثرگذاری بالای آنها در ساختار الگوی پژوهش است. قرار گرفتن این دو متغیر در ناحیه نفوذی، به این معنا است که تقوا و خودکنترلی بدون نیاز به عوامل پشتیبان در محیط بیرونی، ضمن

کاهش بزهکاری و ناهنجاری در عرصه‌های مختلف، عاملی اثرگذار در تحقق یک جامعه با کمترین میزان تخلف هستند. نتایج این بخش با یافته‌های میلانی و علی‌محمدی (۱۳۹۵)، عبدی و افتخاری (۱۳۹۸)، حاجی‌تبار (۱۳۹۸) و درویشی و داودی دهاقانی (۱۳۹۹) مطابقت دارد. در مرحله بعد، متغیرهای صبر و بردباری، عدالت و احسان به‌ترتیب در ناحیه پیوندی قرار گرفته‌اند. این امر نشانگر رابطه متقابل یا به‌تعبیردیگر تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متغیرهای یادشده در مدل است. قرار گرفتن این سه متغیر در ناحیه پیوندی نشان می‌دهد که برای به فعلیت رسیدن صبر و بردباری، عدالت و احسان در جامعه، لازم است این متغیرها به‌وسیله عوامل دیگر تقویت شوند، که در این صورت، عوامل تقویت‌کننده این سه متغیر، خود از کارایی بالاتری برخوردار خواهند شد، بدین‌ترتیب که اثرگذاری متغیرهای مذکور در مقیاس حداکثری بروز و ظهور می‌کند. نتایج این بخش با یافته‌های توسلی و صادقی (۱۳۹۴) مطابقت دارد. متغیر «نظم و انضباط» به‌عنوان آخرین متغیر درج‌شده در ماتریس در ناحیه وابستگی قرار گرفته است که نشان‌دهنده اثرگذاری حداقلی و اثرپذیری حداکثری آن در مدل پژوهش است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به وابستگی متغیر نظم و انضباط به مؤلفه‌هایی از قبیل آگاهی عمومی و باورهای اعتقادی و فرهنگی، نخست باید مؤلفه‌های یادشده، محقق گردند تا نظم و انضباط منجر به کاهش تخلفات اجتماعی شوند. نتایج این بخش با یافته‌های شفيعی و پرنوره (۱۳۹۵) مطابقت دارد. لازم به ذکر است که کلیه پژوهش‌های بررسی شده در پیشینه تحقیق از نظر روش‌شناسی با این پژوهش تفاوت دارند.

همانگونه که در ماتریس قدرت نفوذ و وابستگی قابل‌مشاهده است، هیچ‌یک از متغیرهای پژوهش در ناحیه خودمختار قرار نگرفته‌اند، که این امر حاکی از آن است که مؤلفه‌های نهایی پژوهش همگی به‌درستی احصاء شده‌اند و متغیرهای خنثی در فرایند پژوهش از گردونه حذف شده‌اند. با توجه به جایگاه شاخص تقوا در ماتریس قدرت نفوذ و وابستگی و تأمل در مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن از قبیل ایمان و پرستش خدا، عمل صالح، امانت‌داری، خویش‌داری و حیاء می‌توان گفت که بر اساس آموزه‌های قرآنی و روایی این شاخص مهم‌ترین مؤلفه‌ای است که مانع از بروز تخلف در اجتماع می‌شود و می‌تواند رعایت حقوق مردم نسبت به همدیگر را تضمین کند. بنابراین می‌توان نتیجه

گرفت که در گفتمان قرآن کریم و روایات اسلامی برای پیشگیری از گونه‌های مختلف تخلفات اجتماعی و دستیابی به جامعه‌ای آرمانی، برخورداری از تقوا و صلاحیت‌های درونی مهم‌ترین و بنیادی‌ترین عامل است.

پیشنهادها

- به منظور کاهش تخلفات اجتماعی نسبت به معرفت‌افزایی و تبیین اهمیت و جایگاه تقوا و خودکنترلی و گفتمان‌سازی در سطوح مختلف جامعه برنامه‌ریزی صورت پذیرد؛
- سیاست‌های خرد و کلان فرهنگی و توسعه آموزش‌های اجتماعی بر اساس مؤلفه‌های اثرگذار در کاهش تخلفات اجتماعی تنظیم شود؛
- از طریق ارائه آموزش‌های عمومی در مدارس و دانشگاه‌ها نسبت به توسعه ارزش‌های اسلامی و اخلاقی و تقویت باورهای دینی اقدام شود؛
- با استفاده از یک برنامه راهبردی ملی عدالت فردی و اجتماعی در جامعه نهادینه شود؛
- با بهره‌گیری از رسانه‌های دیداری و شنیداری عمومی از قبیل صدا و سیما برای پیشگیری از تخلفات اجتماعی در سطح جامعه بسترسازی فرهنگی صورت پذیرد؛
- برای جلوگیری از تخلفات اجتماعی و ایجاد ضمانت اجرایی برای تحکیم امنیت در سطح جامعه قوانین پیشگیرانه وضع شود؛
- برای متخلفان اجتماعی مجازات‌های بازدارنده متناسب با تخلف در نظر گرفته شود؛
- برای کنترل تخلفات اجتماعی و صیانت از حقوق آحاد جامعه از مدیریت کارآمد بهره گرفته شود.

تقدیر و تشکر

در پایان پژوهش‌گران بر خود لازم می‌دانند از خبرگانی که با مشارکت در مصاحبه به اجرای تحقیق کمک نمودند، تشکر و قدردانی می‌نمایند.

منابع

- قرآن کریم.
- آذر، عادل؛ خسروانی، فرزانه و جلالی، رضا (۱۳۹۲). تحقیق در عملیات نرم. تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه. ج ۲، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). الخصال. تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۲، قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۰ق). الأمالی (للمصدق). چاپ پنجم، بیروت: اعلمی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق). معانی الأخبار. به کوشش علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۸۲). تحف العقول، ترجمه احمد جنتی، تهران: مؤسسه امیرکبیر.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۵). آمار جنایی، فصلنامه دادگستری جمهوری اسلامی ایران.
- انصاریان، حسین (۱۳۸۳). ترجمه قرآن کریم. قم: اسوه.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۳). نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ص). تهران: دنیای دانش.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و ذرر الکلم. قم: دفتر تبلیغات.
- توسلی، محمدحسن؛ صادقی، محمدمین (۱۳۹۴). آموزه های اسلامی پیشگیری از جرم. نشریه بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۲ (۳۲)، صص ۴۳-۷۳. قابل بازیابی از:
<https://www.sid.ir/Fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=245096>
- حاجی تبار، حسن (۱۳۹۸). نقش نهادهای مذهبی در پیشگیری از جرم: چالش‌ها و راهکارهای مقابله با آن. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۵، شماره ۵۶، صص ۴۷-۶۸. قابل بازیابی از:
http://ijrj.baboliau.ac.ir/article_666893.html
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۴). ترجمه وسائل الشیعه، کتاب جهاد النفس. تهران: ناس.
- درویشی، صیاد و داوودی دهقانی، ابراهیم (۱۳۹۹). تأثیر فرهنگ بومی اسلامی بر پیشگیری از جرم در شهر قم. دوفصلنامه علمی پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی، سال دوازدهم بهار و تابستان، شماره ۲۳، صص ۱۰۷-۱۲۹. قابل بازیابی از:
<http://ensani.ir/fa/article/438247/>

- دشتی، محمد. (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه. قم: مشهور.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن. به کوشش صفوان عدنان داوودی، بیروت: نشر دار الشامیه.
- سبزواری، ملاهادی (۱۳۶۹). منظومه ملاحادی سبزواری. تصحیح و تعلیق از آیت الله حسن زاده آملی و تحقیق و تقدیم از مسعود طالبی، ج ۵، تهران: نشر ناب.
- شفیع، جمال؛ پرنوره، علی (۱۳۹۵). تأثیر هویت دینی، ملی در پیشگیری از جرائم وآسیب‌های اجتماعی. فصلنامه علمی امنیت ملی، ۶ (۲۰)، صص ۳۵-۵۷. قابل بازیابی از: https://ns.sndu.ac.ir/article_623.html
- صالح، صبحی. (۱۴۱۴ق). تحقیق و شرح نهج البلاغه. قم: انتشارات هجرت.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. ۲۰ جلدی، ترجمه محمدباقر موسوی، ج ۱۸، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
- عبدی، رمضانعلی و افتخاری، اصغر (۱۳۹۸). طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی با تأکید بر نقش ناجا. فصلنامه علمی-پژوهشی امنیت ملی تابستان ۱۳۹۸، دوره ۹، شماره ۳۲، صص ۲۳۳-۲۶۳. قابل بازیابی از: <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=524880>
- فولادوند، محمدمهدی (۱۴۱۸ق). ترجمه قرآن کریم. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. به کوشش علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. ج ۲، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
- گسن، ریموند (۱۳۷۰). جرم‌شناسی کاربردی. ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران: نشر مترجم.
- گل محمد خامنه، علی (۱۳۸۴). پیشگیری از جرم. دانشگاه علوم انتظامی.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۷۸). ایمان و کفر (ترجمه کتاب الایمان و الکفر جلد ۶۴ بحارالانوار). ترجمه عزیزالله عطاردی قوچانی، ۲ جلدی، تهران: عطارد.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. ۱۱۱ جلدی، ج ۷۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- معین، محمد (۱۳۷۸). فرهنگ فارسی معین. شش جلدی، چاپ سیزدهم، تهران: نشر امیرکبیر.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۵). شرح چهل حدیث، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

– میلانی، علیرضا و علی محمدی، مرتضی (۱۳۹۵). پیشگیری اولیه از وقوع جرایم و تخلفات و عوامل مؤثر بر آن بر اساس آموزه‌های قرآنی. فصلنامه علمی بصیرت اسلامی، ۱۳ (۳۶)، صص ۴۹-۶۸. قابل بازیابی از:

http://init.jrl.police.ir/article_۱۰۴۰۰.html

– نراقی، احمد (۱۳۸۹). معراج السعاده، چاپ هفتم، قم: انتشارات قائم آل محمد(ص).

– بهبهانی، وحید و محمدباقر بن محمد اکمل (۱۴۲۶ق). حاشیة الوافی (للبيههانی). قم: مؤسسه العلامة المجدد الوحید البههانی.

– Huang, J. J., Tzeng, G. H., & Ong, C. S. (2005). Multidimensional data in multidimensional scaling using the analytic network process. *Pattern Recognition Letters*, 26(6), 755-767.

<https://doi.org/10.1016/j.patrec.2004.09.027>

– Lewis-Beck, M., Bryman, A., & Futing Liao, T. (Eds.) (2004). *The SAGE Encyclopedia of Social Science Research Methods*. SAGE Publications Inc.

<https://doi.org/10.4135/9781412950589>

– Ravi, V., Shankar, R., & Tiwari, M. K. (2005). Productivity improvement of a computer hardware supply chain. *International Journal of Productivity and Performance Management*, 54(4), 239-255.

<https://doi.org/10.1108/17410400510593802>

– Takkar, J., Deshmukh, S. G., Gupta, A. D., & Shankar, R. (2007). Development of a Balanced Scorecard, An Integrated Approach of Interpretive Structural Modeling (ISM) and Analytic Network Process (ANP). *International Journal of Productivity and Performance Management*, 56(1), 25-59.

<https://doi.org/10.1108/17410400710717073>



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی